

درس پنجم

بیداد ظالمان

۱- هم مرگ بر جهان ثمانینز بگذرد هم رونق زمان ثمانینز بگذرد

قلمرو ادبی:

جهان: مجاز از زندگی / رونق زمان: کنایه از رونق و شکوه دوران

قلمرو فکری:

مرگ به سراغ شما نیز خواهد آمد / رواج و گرمی بازار شما هم با آمدن مرگ به پایان می‌رسد.

۲- وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان ثمانینز بگذرد

قلمرو زبانی:

بوم: جغد / محنت: رنج / از پی: به خاطر / دولت آشیان: آشیان دولت، خانه خوشبختی (مرکب)

قلمرو ادبی:

بوم محنت: اضافه تشبیهی بوم (جغد): نماد شومی / بوم محنت بر آشیان کسی گذشتن: کنایه از نابودی قدرت و اعتبار

قلمرو فکری:

رنج و سختی، جغد شوم و ویرانگری است که به ما بسنده نمی‌کند؛ شما را نیز خانه خراب خواهد کرد.

۳- آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بردهان ثمانینز بگذرد

قلمرو زبانی:

اجل: مرگ / گلوگیر: مرکب / خاص و عام: همه مردم

قلمرو ادبی:

آب اجل: اضافه تشبیهی / مصراع اول: تشخیص / خاص و عام: مجاز از همه / تلمیح به آیه «کل نفس ذائقة الموت» / آب اجل

بر حلق کسی گذشتن کنایه از: مرگ و نابودی

قلمرو فکری:

مرگ که به هیچ کس رحم نمی‌کند و دامنگیر همه می‌شود به سراغ شما نیز خواهد آمد.

۴- چون داد عادلان بر جهان در، بتا نکرد بیداد ظالمان ثمانینز بگذرد

قلمرو زبانی:

چون: حرف ربط وابسته ساز / داد: عدالت و انصاف / بقا: باقی / بیداد: بی عدالتی، ظلم

آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم از نشانه های سبک قدیم است؛ به جهان در.

قلمرو فکری:

وقتی عدالت و دادپروری عادلان، در جهان باقی نماند / پس ظلم و ستم شما ظالمان نیز پایدار نخواهد ماند.

※ارتباط معنایی دارد با:

۱- ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما / بر قصر ستم کاران تا خود چه رسد خذلان (خاقانی)

۲- نماند همی نیک و بد پایدار

۵- در مملکت چوغزش شیران گذشت و رفت این عمو و سکان ثمانینز بگذرد

قلمرو ادبی:

قلمرو ادبی:

استعاره: شیران، سگان

قلمرو فکری:

وقتی فریاد و غرغش شیرمردان و انسان‌های دلیر باقی نماند پس این پارس کردن‌های شما فرومایگان نیز از بین خواهد رفت. (زوال پذیرگی شکوه و قدرت ظاهری انسان‌های پست و فرومایه)

۶- باوی که در زمانه بسی شمع با بکشت هم بر چراغندان شمانیز بگذرد

قلمرو زبانی:

چراغدان: وندی

قلمرو ادبی:

استعاره: باد، استعاره از مرگ، شمع، استعاره از وجود انسان‌های بزرگ / چراغدان: استعاره از زندگی / باد بکشد: تشخیص / باد بر شمع و چراغدان وزیدن: کنایه از مرگ و نابودی / تلمیح به آیه: «کل نفس ذائقة الموت»

قلمرو فکری:

حوادث روزگار که قدرت‌های زیادی را از بین برد، روزی شکوه و رونق شما را نیز از بین خواهد برد. (این باد مرگ، چراغ زندگی شما را نیز خاموش خواهد کرد.)

۷- زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت ناچار، کاروان شمانیز بگذرد

قلمرو زبانی:

کاروانسرا: دنیا / کاروان: زندگی، انسان‌ها

قلمرو ادبی:

استعاره: کاروانسرا (دنیا) / کاروان در مصراع اول استعاره از انسان‌ها. کاروان دوم استعاره از عمر زندگی و حکومت قلمرو فکری:

به این دنیا که همانند کاروانسرا است افراد زیادی آمدند و از آن رفته‌اند پس شما نیز به ناچار دنیا را ترک خواهید کرد.

۸- ای منتخبر به طالع مسعود خویشتن تاثیر اختران شمانیز بگذرد

قلمرو زبانی:

مفتخر: صاحب افتخار / مسعود: فرخنده، نیکو / اختران: ستارگان (وندی) / خویشتن: ضمیر مشترک

قلمرو ادبی:

تلمیح: اعتقاد قدما بر این بود که ستارگان بر سرنوشت ما تأثیر دارند.

مصراع دوم کنایه از: بخت نیک شما نیز به پایان خواهد رسید.

قلمرو فکری:

ای کسی که به بخت و اقبال خود می‌نازی و به آن افتخار می‌کنی، این خوشبختی و خوش اقبالی شما نیز سپری خواهد شد.

۹- بر تیر جورمان ز تمل سپر کنیم تا سختی کمان شمانیز بگذرد

قلمرو زبانی:

جور: ستم / سپر کردن: دفاع کردن / سختی کمان: قدرت

قلمرو ادبی:

اضافه تشبیهی: تیر جور (جور مانند تیر است) تشبیه: ز تحمل سپر کنیم «تحمل مانند سپری است»

کنایه: سپر کردن: دفاع کردن / سختی کمان شما نیز بگذرد: سرسختی و قدرت شما نیز تمام می‌شود.

قلمرو فکری:

دویدایی که در این تودیک است / لای این شب بودا، پای آن کج بلند...

احمر رمضان زاده

در مقابل ظلم و ستم شما صبر و بردباری می‌کنیم، تا دوران پر از سختی و ظلم و ستم شما نیز به پایان برسد.

۱۰- ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این کرکی شبان شمانیز بگذرد

قلمرو زبانی:

رمه: گله / گرگ طبع: گرگ صفت، درنده خو / شبان: چوپان

قلمرو ادبی:

رمه: استعاره از (مردم) / چوپان: استعاره از (کارگزاران ظالم درنده خو) / گرگی: استعاره از رفتار ظالمانه / شبان: استعاره از

(حاکمان ظالم) / گرگ، رمه، چوپان، شبان: مراعات نظیر

قلمرو فکری:

ای کسی که مردم را به دست کارگزاران درنده خو سپرده‌ای، این درنده خویی کارگزاران شما نیز از بین خواهد رفت.

سیف فرغانی

### کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی:

۱- در شعری که خواندید، پنج واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

رونق - محنت - اجل - غرّش - طالع

۲- تفاوت معنایی فعل‌های مشخص شده را توضیح دهید:

■ گفتم که نوش لعلت مارا به آرزو کشت گفتا تو بندی کن کاو بنده پرور آید (ازین برد)

■ بادی که در زمانه بسی شمع با کشت هم بر چراغدان شمانیز بگذرد (خاموش کرد)

۳- برای هر واژه مشخص، یک مترادف از متن درس بیابید.

بر در بخت بد فرو آید هر که گیرد عنان مرکبش، آز ناصر خسرو طالع

همت بلند دار که نزد خدا و خلق باشد به قدر همت تو اعتبار تو ابن یمین رونق

قلمرو ادبی:

۱- قافیه و ردیف را در بیت نخست این سروده مشخص کنید. قافیه: جهان، زمان ردیف: شما نیز بگذرد

۲- در بیت زیر، کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید:

بر تیر جوتان ز تمل سپر کنیم تا سختی کمان شمانیز بگذرد

سپر کردن: دفاع کردن / سختی کمان شمانیز بگذرد: سرسختی و قدرت شما نیز تمام می‌شود

۳- به بیت زیر توجه کنید:

برکن زبن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکنند محمد تقی بهار

در مصراع اول، مقصود شاعر از «بنا»، مفهوم «ظلم» است؛ یعنی، شاعر «ظلم» را به «بنا» تشبیه کرده است؛ سپس به سبب شباهت آن دو به هم، مشبّه (ظلم) را حذف کرده و فقط مشبّه به (بنا) را ذکر کرده است تا شباهت را تا مرحله یکی شدن نشان دهد؛ به این تصویر خیال انگیز، «استعاره» می گویند. در استعاره، یک طرف تشبیه (مشبّه یا مشبّه به) ذکر نمی شود. مثال برای حذف «مشبّه به»: خورشید شکفت.

«خورشید» به «گل» تشبیه شده است و «شکفتن» از ویژگی های گل است که به خورشید نسبت داده شده است. در بیت پنجم، استعاره ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید. شیران: استعاره از مردان مبارز و شجاع / سگان: استعاره از مردان پست و فرومایه.

قلمرو فکری:

۱- با توجه به توضیح زیر، معنی و مفهوم بیت اول درس را به نثر روان بنویسید.

«سیف الدین محمد فرغانی، در سده هفتم هجری، هنگامی که شهرهای بزرگ و آبادان ایران، در آتش بیداد مغولان می سوخت، این شعر را سرود. سیف در این سروده، از رفتار ظالمانه فرمانروایان و تاخت و تاز سپاه مغول، با بیان کوبنده ای انتقاد می کند.

۲- در بیت زیر، مقصود شاعر از «رمه»، «چوپان گرگ طبع» و «گرگی شبان» چیست؟

ای تورمه سرده به چوپان گرگ طبع این کرگی شبان شانیز بگذرد

رمه: مردم / چوپان گرگ طبع: حاکم ظالم و درنده خو / گرگی شبان: ستم و درنده خویی حاکم

۳- از متن درس، برای حدیث و آیه زیر، نمونه بیتی مرتبط بیابید و بنویسید:

«الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ» امام علی (ع)

ای مُفْتَخِرْ به طالع مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» سورة آل عمران، آیه ۱۸۵

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد

بادی که در زمانه بسی شمع ها بگشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

۴- سروده زیر، یادآور کدام بیت درس است؟ بیت چهارم

ما بار که دادیم، این رفت ستم بر ما بر قصه تهماران، کو بی چه رسد خذلان؟

خاقانی

خدلان: بی یار و یآوری، مجازاً خواری و بدبختی

همای رحمت

۱- علی ای همای رحمت توجه آیتی خدا را که به ما سواکنندی همه سایه همارا

ای علی، ای همای سعادت، تو چه نشانه ای از خداوند هستی، که سایه خوشبختی و رحمت خداوند را بر سر همه موجودات عالم افکندی.

۲- دل اگر خداشناسی همه درخ علی من به علی شناختم من، به خدا قسم خدا را

ای دل، اگر می خواهی خدا را بشناسی به چهره ی علی نگاه کن، به خدا سوگند که با وجود علی است که من خدا را شناخته ام.

۳- برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نکسین پادشاهی دهد از کرم گدارا

ای گدای بی چاره برو به خانه ی علی (ع) و از او چیزی بخواه چرا که علی (ع) به گدایان فراوان بخشش می کند.

۴- به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا؟

تنها علی (ع) است که به پسر خود سفارش می کند که با قاتل خود با نرمی و ملایمت رفتار کند.

۵- به جز از علی که آرد پسری ابوالحباب که علم کند به عالم شهدای کربلا را؟

تنها علی (ع) است که پسری دارد که می تواند شهدای کربلا را در عالم مشهور سازد.

۶- چو به دوست عهد بند زمیان پاکبازان چو عسلی که می تواند که به سر برد و فزارا؟

تنها علی (ع) وقتی که با خداوند عهد می بندد تا لحظه ی آخر بر سر عهد و پیمان خود باقی می ماند و آن را به پایان می رساند.

۷- نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت تحیرم چه نامم شه ملک لافقی را

نه می توانم او را خدا بخوانم و نه می توانم بشر بگویم، در حیرت هستم که پادشاه سرزمین جوانمردی را چه باید بنامم.

۸- چه زخم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم؟ که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوارا

چرا هر لحظه از شوق و اشتیاق به او همانند نی ناله سر دهم؟ در حالی که حافظ بهتر توانسته است این شوق و اشتیاق را بیان کند...

۹- همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد آشنا را

تمامی شب را به این امید می گذرانم که نسیم صبح از آشنایی برایم پیام محبت بیاورد، تا مایه ی آرامش خاطر من شود.

۱۰- ز نوای مرغ یا حق بشو که در دل شب غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهربارا

ای شهربار، از ناله های مرغ شب یاد بگیر که راز و نیاز کردن با دوست در نیمه های چه قدر زیبا و خوش است

سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهربار)

درک و دریافت

۱- برای خوانش مناسب و تأثیر گذار این سروده به چه نکاتی باید توجه داشت؟

۲- در این سروده به کدام ویژگی های شخصیت والای حضرت علی (ع) اشاره شده است؟

## گونه شناسی

### ادبیات غنایی

در این فصل متن‌های «نهر و وفا»، «جمال و کمال» و «بوی گل و ریحان‌ها» را می‌خوانیم. موضوع این

مستند، بیان عواطف و احساسات شاعران نویسنده درباره دوستی، محبت، عشق، شادی و برخی مفاهیم عمیق

عرفانی است، به آثاری که چنین درون‌مایه‌ای دارند، «ادبیات غنایی» گفته می‌شود.

ادبیات غنایی، اشعار و متونی است که احساسات، عواطف شخصی، حالات عاشقانه و امید و آرزوی رابا

زبانی نرم و لطیف بیان می‌کند. در ادبیات فارسی، موضوع‌های غنایی با مفاهیمی همچون؛ عشق، عرفان،

مرثیه، مناجات و گلایه و شکایت، معمولاً در قالب‌های شعری غزل، مثنوی و رباعی و نیز در قالب نشر نوشته می‌شود.

ادبیات عرفانی‌ها که بسیار غنی و گسترده است در حوزه ادبیات غنایی قرار می‌گیرد.